نامه سرگشاده زنان ایرانی و افغانستانی، رهبران جهانی زن، حقوقدانان بین‌المللی، که از جامعه بین المللی می‌خواهند جرم آپارتاید جنسیتی را به رسمیت بشناسد.

ما، ائتلاف متنوعی از فعالان بین‌المللی حقوق زن، حقوقدانان بین‌المللی، رهبران زن ایرانی و افغانستانی و دیگر افراد ذینفع، از دولت‌ها می‌خواهیم جرم آپارتاید جنسیتی را به رسمیت بشناسند و با سیستم آپارتاید جنسیتی در جمهوری اسلامی ایران و افغانستانِ تحت سلطه طالبان مقابله کنند و نهایتا به آن پایان دهند.

جمهوری اسلامی در ایران و طالبان در افغانستان، به دلیل نوع برخورد قانونی با زن‌ها به عنوان شهروند درجه دوم، رژیم‌های آپارتاید جنسیتی تعریف می‌شوند. با این حال عبارت «آپارتاید جنسیتی» در حال حاضر تنها ارزش توصیفی دارد زیرا بر اساس قوانین بین‌المللی فقط طبقه‌بندی نژادی آپارتاید شناخته می‌شود و نه طبقه‌بندی بر اساس جنسیت. آپارتاید از واژه آفریکانس (زبان آفریقای جنوبی) «apart»  گرفته شده که به معنای جدا شدن و جدا کردن است. این واژه از رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی و سیستم جداسازی و تبعیض نژادی آن برآمده است که هدفش برقراری و تداوم سلطه سفیدپوستان آفریقای جنوبی را بر سیاهپوستان آن کشور بود. سیستمی که در نهایت با دهه‌ها فشار و انزوا از سوی مهره‌های بین‌المللی، با بی‌آبرو کردن و قطع رابطه دیپلماتیک و اقتصادی، به پایان رسید.

در حالی که این مؤلفه‌ها نمایانگر شکلی متمایز از آپارتاید در آفریقای جنوبی است،اما مؤلفه‌های جداسازی و انقیاد سیستماتیک که آپارتاید می‌سازد، امروز در افغانستان و ایران نیز وجود دارد. زنان در افغانستان تحت سلطه طالبان از تحصیل، استخدام در مراکز دولتی و غیردولتی و سفر طولانی بدون همراه مرد منع شده‌اند و در عین حال باید به قانون پوشش سخت‌گیرانه نیز پایبند باشند. در جمهوری اسلامی نیز زنان از تحصیل در رشته‌ها و مشاغل خاص، حضور در ورزشگاه‌ها و گرفتن پاسپورت و سفر خارج از کشور بدون اجازه همسرشان منع شده‌اند. ارزش جان زنان و شهادتشان در قانون نصف مردان است و ناگزیرند قوانین حجاب اجباری را نیز بپذیرند. هدف نظام قضایی از اعمال چنین ممنوعیت‌هایی برقراری و تداوم سلطه مردان و حکومتها بر زنان است. همچنین نقض این قوانین تبعیض‌آمیز می‌تواند به خشونت، زندان و مرگ بی‌انجامد.

با توجه به محکوم شدن دولت آپارتاید آفریقای جنوبی از جانب جامعه جهانی، زنانی که در ایران و افغانستان زندگی می‌کنند نیز برای پایان‌دادن به سیستم آپارتاید جنسیتی که به آنها تحمیل شده، خواهان پاسخ بین‌المللی مشابهی از جانب جامعه جهانی هستند. برای اینکه به طور کامل بتواند خیزش زن-رهبر ایران را به اهدافش برساند و همچنین حامی ایستادگی و مقاومت شجاعانه زنان افغان باشد که حقوقشان را با خشونت از آنها گرفته‌اند، جامعه جهانی باید آسیب سیستمی که در قانون گنجانده شده و در آن با زنان مانند شهروند درجه دوم برخورد می‌شود را به درستی تشخیص دهد و با همبستگی اخلاقی، اعمال سیاسی و عزم قضایی آن را به رسمیت بشناسد.

برخورد جمهوری اسلامی در ایران و طالبان در افغانستان تنها محدود به تبعیض جنسیتی نیست؛ بلکه این رژیم‌ها یک جنگ افراطی‌تر، سیستماتیک‌ تر و ساختاری‌ تر را علیه زنان نهادینه کرده‌اند که برای سلب انسانیت و سرکوب هرچه بیشتر زنان و با هدف تثبیت قدرت طراحی شده است.

خواسته های اصلی ما از دولت‌ها:

- بازتاب دادن و تمرکز بر تجربیات زنانی است که در ایران و افغانستان تحت آپارتاید جنسیتی زندگی می‌کنند؛

- صدور بیانیه و قطعنامه و شکل دادن به پاسخ‌های سیاسی مبنی بر محکوم کردن نظام آپارتاید جنسیتی در ایران و افغانستان؛ و

- گسترش تعریف حقوقی آپارتاید در قوانین بین‌المللی و ملی برای گنجاندن اشکال شدید تبعیض جنسیتی نهادینه‌ شده.